

## ● نقد و معرفی کتاب

### تروریسم، امریکا و اسلام

وحید عبدالمجید، الارهاب و امریکا و الاسلام، من یطفی النار؟ (القاهره: دارمصر المحروسه، ۲۰۰۲)، ۱۹۹ ص.

نمی‌توان تشخیص داد که چه کسانی از حمله به امریکا خرسند شدند و به اسامه بن لادن و گروهش پیوستند و چه کسانی واقعاً از این موضوع متأثر گردیدند. هرچند که امریکا، پس از آن واقعه، در سیاست‌های خود با کشورهای مسلمان و اعراب، تغییرات جدی به وجود آورد و دست آن‌ها را با بن لادن و گروهش یکی دانست! و اگر بر فرض، این اتهام درست باشد و آن‌ها به این نتیجه رسیده باشند که مسلمانان هیچ چاره‌ای جز این روش برای نابود کردن امریکا نداشته‌اند، پس امت اسلام مستحق جهنم و بدترین عذاب‌ها، نه تنها در آن دنیا که در این جهان نیز می‌باشد. در ضمن، نباید فراموش کرد که این امت اسلام، فهم و درکش را از دین گرفته و عقیده‌اش را بر روش صحیح دین

شاید بتوان، بدترین تروریسم جهانی را به واقعه روز سه‌شنبه سیاه، در تاریخ یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی نسبت داد. اما این که چرا و چگونه چنین اتفاقی، در مرکز قدرت جهانی پدید آمده امری است که در این کتاب، مؤلف به آن پرداخته است.

نویسنده در مقدمه اثر خویش بیان می‌کند که یکی از دلایل انجام این عملیات تروریستی در امریکا شاید کراهت شدید از ایالات متحده امریکا و نیز سیاست‌های خارجی آن در برابر امور کشورهای عربی و اسلامی و همچنین مسلمانان باشد. اما شاید مقایسه بین این که مدافعان و مخالفان این حرکت و یا به طور کلی کراهت از امریکا چه میزانی است، مقایسه صحیحی نباشد و به همین دلیل است که

مسیبن اسلام، استوار کرده است و تنها یک موضوع‌گیری اصولی است که می‌تواند مصلحت‌های امت اسلامی را با عقایدش پیوند زند و آن رده‌رگونه تجاوزگری است چه در واشنگتن و نیویورک باشد، چه در کابل، قندهار و مزارشریف و این همان موضع‌گیری است که امریکا و سیاستش با آن در تضاد است و از آن نفرت دارد. موضع‌گیری اصولی‌ای که براین اعتقاد بنا شده که، آزاد کردن وطن از هر استعماری، حق طبیعی هر انسانی است، چراکه این دو مکمل یکدیگرند و انسان نمی‌تواند در برابر استعمار خضوع کند تا شاید برای کشورش مفیدتر باشد و به راستی که این امر بسیار با ارزش است، اما نه با ارزش‌تر از آزادی انسان از طغیان و سرکشی. درواقع می‌توان گفت که تمام این موضع‌گیری‌های اصولی امت اسلام است که فصول این کتاب را در سه بخش، شرح می‌دهد:

فصل اول که با عنوان "تروریسم دنیایی جدید را می‌سازد" بیان می‌دارد که عملیات تروریستی انجام شده در امریکا می‌تواند شروع جنگ جهانی سوم و یا به گفته جورج بوش، جنگ جهانی اول در قرن بیست و یکم باشد. دکتر وحید عبدالمجید در این بخش، از اثرات تروریسم بر سیستم‌های آینده جهان سخن می‌گوید و خاطر نشان می‌کند که نظام جهانی جدید به سه دلیل، کوتاه مدت نخواهد بود: (۱)

تروریسم به عنوان یک قطب جهانی، قدرت‌های زیادی را از نظر عمل و تاثیر آن بر جهان، کسب خواهد کرد؛ (۲) جنگ ضدتروریستی باشکست مواجه خواهد شد؛ (۳) هرچه که پیشرفت و توسعه افزایش یابد، فرصت تروریسم و تروریست‌ها برای وارد آوردن ضربات بیشتر و مهلک‌تر بالاتر می‌رود. وی به بررسی مشکلات و سختی‌های از بین بردن و نابود کردن سرمایه‌گذاری‌های تروریسم، چه از نظر مالی و چه از نظر انسانی، می‌پردازد و بیان می‌دارد که اصل به وجود آمدن یک جنگ اقتصادی علیه تروریسم جهانی نیز همین موضوع بوده است، هر چند که به نظر می‌رسد تاکنون با این هدف نیز نتوانسته‌اند مشکلی را حل نمایند. به عنوان مثال هیچ فرد یا افرادی و یا مراکزی که در رأس اقتصاد جهانی قرار دارند، نتوانسته‌اند سرمایه شبکه القاعده را به طور دقیق بیان کنند و سرمایه این گروه را که در رأس آن‌ها، اسامه بن لادن قرار دارد، تا سیصد میلیون دلار تخمین زده‌اند. سومین مبحث مورد بحث این فصل؛ ضررهای بزرگترین نیروی جهانی در جنگ ضدتروریستی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. مؤلف بیان می‌دارد که اولاً آزادی و ثانیاً سبک شمردن آن، از مهم‌ترین و سنگین‌ترین خسارت‌هایی است که امریکا در درگیری‌های تروریستی با آن مواجه شده است.

پس از آن شخص بن لادن را بین میراث‌های قومی خود و اسلام قرار داده و با بیان برخی از نظریات و عقاید اصولی وی، او را یکی از سه قهرمان تاریخ معاصر اسلام معرفی می‌کند، که دو قهرمان دیگر، جمال عبدالناصر و صدام حسین معرفی شده‌اند و نقشه‌های امریکا برای از بین بردن این سه قهرمان مورد بررسی قرار گرفته است.

بن لادن و چگوارا نیز در بخشی با یکدیگر مقایسه شده‌اند که نویسنده، یکی از بارزترین تفاوت‌های بین آن دو شخصیت را این مطلب می‌داند که تروریسم در جنگ‌های چگوارا در حاشیه قرار داشته در حالی که در عملیات بن لادن، خود او جزء اصلی عملیات به شمار می‌آید و دیگر آن که چگوارا جنگ‌ها و مخالفت‌های خود را تنها در نظام کوچک یک کشور و یا نهایتاً، کشورهای کوچک، بروز می‌داد در حالی که بن لادن نه تنها در بزرگترین و قدرتمندترین کشورها، عملیات خود را به انجام می‌رساند، بلکه ترتیبی صورت می‌دهد تا تاثیر آن مدت‌ها در کل جهان باقی بماند.

تروریسم، که می‌توان آن را یک مرض و بیماری حاد دانست، باید از نظر عوامل بروز آن مورد بررسی قرار گیرد. تروریسم عملی است که از داخل آغاز و به خارجی نیز کشانده می‌شود و درگیری‌های سیاسی و اجتماعی را به عنوان

فصل دوم این کتاب، به بررسی موقعیت شبکه بن لادن بر روی نقشه جهان اسلام می‌پردازد. مؤلف در این فصل، ضمن بیان آن که به اعضای گروه بن لادن در بیش از پنجاه کشور با یکدیگر در ارتباط هستند، به تعاریف جداگانه سازمان و گروه پرداخته و در تعریف سازمان، گروهی از افراد را معرفی می‌کند که بین آن‌ها ارتباطی هرگونه برقرار باشد که سطح ارتباطات از پائین به بالا رو به افزایش است و این امر براساس دموکراسی خاص آن سازمان صورت می‌گیرد. ایشان، پس از تعریف حزب و گروه، تفسیر می‌نماید که القاعده، یک شبکه (بماند) است نه یک سازمان و یکی از موفقیت‌های این شبکه آن است که به مرکز، گروه و شخص خاصی وابسته نمی‌باشد و حتی در عملیات تروریستی نقشی غیرمستقیم را ایفا می‌نماید.

تاثیرات سخنرانی‌های بن لادن که اولین بار از تلویزیون الجزیره پخش شد در بخشی دیگر از این کتاب بیان می‌شود. نویسنده همچنین برخی از سخنان بن لادن را که خطاب به مسلمانان ایراد کرده است، درج می‌نماید.

سومین موضوع وارد شده در این فصل، بن لادن و جنبش‌های اسلامی مصر است که در این چند صفحه، نویسنده به ارتباط بین بن لادن و جنبش‌های انجام شده در مصر اشاره دارد و

موضوع‌گیری‌های این کشورها در برابر امریکا و تروریسم شدت یافت و یک به یک نظریات خود را راجع به این موضوع بیان داشتند.

فصل سوم به بیان و تفسیر همان موضوع‌گیری‌ها بین امریکا و تروریسم می‌پردازد که در خلال آن به بحران‌های سیاست نیروهای امریکا، قبل و بعد از آن حادثه اشاره دارد و سیاست قدیم و جدید آن را توصیف می‌نماید و سپس به تفسیر بحران‌های جدی که امریکا پس از حادثه با آن روبه رو شده می‌پردازد. همچنین موضوع‌گیری‌های کشورهای عربی در برابر /درگیری‌های امریکایی- تروریستی، به طور خاص مورد کنکاش قرار گرفته و نیم‌نگاهی نیز به مسائل اسرائیل و فلسطین و ارتباط آن‌ها با امریکا، تروریسم و کشورهای اسلامی انداخته است.

صفحات پایانی این کتاب، با این عنوان مزین گردیده است که: "... تاجایی که برای انسان، مکانی بر روی زمین باقی بماند!" و نویسنده در آن پیشنهاداتی را به مسلمین و جهان ارائه می‌کند؛ از جمله آن که بر مصلحت مسلمین و اعراب می‌داند که در برابر حملات تروریستی بایستند، چرا که وی براین عقیده است که اولین ضرری که براساس این گونه حملات به وجود خواهد آمد، متوجه مسلمین خواهد بود.

سمیه صادقی

یک مرض مشترک در تمامی جوامع، به وجود می‌آورد. به همین دلیل است که دکتر وحید در نوشته‌هایش این موضوع را به میان می‌کشد که در حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، نباید بگوئیم که این حملات و عملیات تروریستی دیگر، ساخته امریکا و اسرائیل است چرا که یک شخص و یا یک گروه، سازنده تروریسم و تربیت کننده تروریست نیستند، بلکه عوامل متعددی از نقاط مختلفی دست به دست هم می‌دهند تا تروریسم را به وجود آورند. شایان ذکر است که ایشان این گفته را با آوردن دلایل متعددی به اثبات رسانیده‌اند.

قسمتی از این فصل، با این سؤال آغاز می‌شود که آیا آینده شبکه القاعده به نتایج جنگ افغانستان و سقوط طالبان مرتبط می‌گردد یا خیر؟! مؤلف پس از درج این سؤال به بررسی و تحقیق در آینده شبکه القاعده پس از یازدهم سپتامبر می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که شاید مسیر آینده این شبکه و اعضای آن که در کشورهای مختلف اسلامی و اروپایی و نیز ایالات متحده امریکا پنهان شده‌اند، بیشتر تحت تأثیر به اتمام رسیدن منابع مالی‌شان قرار بگیرد تا عوامل دیگر.

از آنجایی که تیرهای واشنگتن و کاخ سفید پس از واقعه‌ی یازدهم سپتامبر به سمت مسلمین و کشورهای مسلمان نشانه گرفته شد؛